

تأثر نمی‌تواند به‌تنهایی روی پای خود بایستد

افزایش یابد، احتمال صرف نظر کردن مخاطب از خرید پلیت بیشتر می‌شود. بنابراین، ظرفیت افزایش قیمت در تئور بسیار محدودتر از کنسرت است و هر افزایشی می‌تواند به کاهش مخاطب بینجامد. در مجموع، کنسرت بر پایه تجربه‌ای آشنا شکل می‌گیرد، اما انتاتر همتان تجربه‌ای کمتر قابل پیش‌بینی است. از این‌رو، افزایش قیمت تها حدی امکان پذیر است و فراتر از آن کارایی خود را از دست می‌دهد.

■ تئاتر ایران اساساً کالای فرهنگی ارزان قیمتی تلقی می‌شود؟

تئاتر ایران به‌ویژه تئاتر حرفه‌ای، در مقایسه با بسیاری از محصولات فرهنگی و نمونه‌های مشابه در کشورهای دیگر همچنان کالایی نسبتاً ارزان محسوب می‌شود. تئاترهای سرگرم‌کننده به‌دلیل تعداد اجرای بیشتر، امکان بازگشت

از این منظر، تولید آثار جدی همچنان نیازمند نقش فعال دولت است؛ نقشی که صرفاً محدود به نظارت نباشد و به صورت مستقیم در قالب حمایت و حتی جهت‌دهی به تولید عمل کند. به همین دلیل، بازگشت به یک مدل حمایتی، مشابه تجربه‌هایی که در دهه ۷۰ در تئاتر ایران وجود داشت، می‌تواند همچنان یکی از راه‌های اصلی خروج از وضعیت فعلی تلقی شود. در غیر این صورت، باید به دنبال سازوکارهای تازه‌ای بود که خدوشان با ابهامات جدی و پیچیدگی‌های زیادی همراه‌اند هنوز به‌طور دقیق روشن و تعریف‌شده نیستند. با این حال، اگر دولت بتواند حمایت هدفمند و پایدار از تولید

البته مسئله، مخالفت با حضور بخش خصوصی نیست، بلکه ورود به این حوزه مستلزم طی کردن یک مسیر حرفه‌ای و استاندارد است؛ مسیری که در بسیاری از موارد نادیده گرفته شده است. در گذشته که تولید بیشتر بر حمایت دولتی متکی بود، دغدغه اصلی خلق اثر فرهنگی بود، اما امروز بخش مهمی از فرایند تولید صرف نگرانی درباره بازگشت سرمایه و موفقیت در گیشه می‌شود. البته این نگاه شامل همه سرمایه‌گذاران نیست و افراد معدودی نیز با رویکرد فرهنگی وارد این عرصه شده‌اند، اما در مجموع، جریان غالب تأثیر منفی بر کیفیت هنری تئاتر گذاشته است.

مسئله اصلی، از بین رفتن تناسب میان هزینه‌های تولید و درآمد گیشه است. هزینه‌ها آن قدر افزایش یافته که حتی فروش نسبتاً موفق در اجراهای محدود هم هزینه‌های تولید را جبران نمی‌کند و سودی برای ادامه فعالیت باقی نمی‌گذارد. به همین دلیل، بسیاری از آثار با رویکرد «تئاتر بی‌پیز» تولید می‌شوند؛ یعنی بخشی از نیازهای مالی نادیده گرفته می‌شود و حتی عناصر صحنه‌پردازی و اعلام‌های نیز به نسخه‌های ساده و دیجیتالی تقلیل یافته‌اند. در نتیجه، اقتصاد عملاً شکل اجرا را تعیین می‌کند، هرچند این واقعیت اغلب پشت‌نگاه‌های زیبایی‌شناسانه پنهان می‌ماند. از سوی دیگر، افزایش دستمزدهای بازیگران نیز از مسیر گیشه قابل جبران نیست. بنابراین، اگر ساختار حمایت‌ها اصلاح نشود، بازگشت به بارانه‌های دولتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ در غیر این صورت، تئاتر ناچار است با حداقل امکانات تولید شود و نتیجه آن نمایش‌های ناقص و کم‌رنگ خواهد بود. به نظر می‌رسد نسبت میان تولید و گیشه در وضعیت فعلی دیگر کارکرد مؤثری ندارد.

چون ماهیت این دو تجربه فرهنگی متفاوت است، در کنسرت، مخاطب با اثری روبه‌رو است که از پیش آن را می‌شناسد و تا حد زیادی از کیفیت تجربه اطمینان دارد، اما در تئاتر هنگام خرید بلیت با نوعی «ریسک فرهنگی» مواجه است و نمی‌داند کیفیت اجرا تا چه اندازه رضایت‌بخش خواهد بود و همین مسئله موجب آن می‌شود نسبت به افزایش قیمت بلیت حساس‌تر باشد. حتی اگر برای نام‌نیک کارگردان را بازیگر هزینه کند، باز هم تضمینی برای رضایت وجود ندارد. از این رو، اگر قیمت بلیت تئاتر هم‌پای تورم یا هم‌سطح کنسرت

آکھی موضوع قانون ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

[illegible]